

**جمعه 21 تیر 1398 - 9 ذی القعدة 1440 - 12 جولای 2019**

قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد علیه کشف حجاب (1314 ش)



قیام خمین: مسجد گهه شاد مشهد علیه کشف حجاب (1314 ش)، پس از آن که زمزمه شوم نقشه ننگین رضاخانی جهت به تاراج دادن ارزش‌ها؛ های دینی در قالب کشف حجاب به مردم رسید اعتراضات سراسری، کشور را فرا گرفت. در این میان یکی از علمای مشهد در شورای مجتهدان شهر، به عنوان نماینده معرفی شد تا با رضاخان مذاکره کند ولی به محض رسیدن به تهران، به دستور رضاخان بازداشت و در ری ممنوع‌المرافقات گردید. مردم که در مسجد گوهرشاد مشهد به این امر اعتراض داشتند، با سخنرانی وعاظ، شوری چند برابر یافته و خواهان مراجعت آن عالم شدند. در ادامه اعتراضات، در روز شنبه 21 تیرماه 1314، در مسجد گوهرشاد، شعارهای ضد سلطنت و ضد حجاب زدایی داده شد و مسجد، یکپارچه سرود مقاومت سر می‌داد. قوای دولتی که مقاومت مردم را دیدند به دستور رضاخان به اجتماع آنان یورش برده و در کشتاری خونین و وحشیانه بین 2 تا 5 هزار نفر را کشتند. کامیون‌های بسیاری، اجساد مبارزین را که جز سلاح ایمان و شهادت، سلاح دیگری نداشتند جابه‌جا کردند. به گفته شاهدان عینی، ماموران دولتی، شهدا و زخمی‌ها را به وسیله 56 کامیون منتقل کرده و در خندق‌های که در اطراف مشهد پیش‌بینی شده بود دفن نمودند. بدین ترتیب، این فاجعه هولناک پایان یافت ولی یاد حماسه خونین این نهضت اسلامی و برخاسته از باورهای ارزشی مردم، برای همیشه در تاریخ مبارزات اسلامی ملت ما باقی ماند. برخی، این حادثه را در 31 مرداد ذکر کرده‌اند.

آغاز بنای مسجد اعظم قم به امر آیت الله «بروجردی» (1333 ش)

کار ساخت مسجد اعظم قم، در روز یازدهم ذی‌القعدة سال 1374 ق مطابق با 21 تیرماه سال 1333 ش همزمان با سالروز ولادت حضرت امام رضا (ع) طی مراسم با شکوهی با حضور آیت الله بروجردی آغاز شد. این مسجد که در حدود یازده هزار متر مربع مساحت دارد، به سبک معماری اسلامی - ایرانی، دارای دو شبستان بزرگ، گنبد عظیم، فضای زیرگنبد و دو گلدسته بسیار مرتفع می‌باشد. گنبدها، محراب‌ها و ایوان‌های مسجد با کاشی‌های بسیار ظریف و کتیبه‌های زیبایی تزیین شده و شکوه خاصی به آن‌ها بخشیده است. این مکان، در جریان انقلاب بارها محفل مردم و روحانیت انقلابی بود و حضرت امام خمینی در این مسجد چندین سخنرانی مهم و افشاگرانه علیه رژیم پهلوی ایراد کرده بودند. در حال حاضر از این مسجد علاوه بر اقامه نماز جماعت و برگزاری مراسم دعا و اعتکاف و دروس مراجع بزرگوار حوزه علمیه قم، در برپایی تجمعات مذهبی و انقلابی استفاده می‌شود.

تولد «حکیم ناصر خسرو قبادیانی» شاعر مشهور ایرانی (394 ق)

ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی در بلخ به دنیا آمد. وی از کودکی در محضر اساتید زمان خود، به تحصیل علم و دانش و حفظ قرآن پرداخت. ناصر خسرو علاوه بر ادبیات فارسی و عربی با بیشتر علوم زمان خود همچون حساب، هندسه، نجوم، طب، داروشناسی و الهیات نیز آشنا شد. ناصر خسرو در ابتدا شغل دبیری در دربار محمود و مسعود غزنوی داشت، اما پس از چندی بر اثر تحوّل که در افکار و اندیشه‌های او پدید آمد از سیاست کناره‌گیری کرد و به تحقیق در اصول و عقاید مذاهب مختلف و سیر و سفر پرداخت. او در مسافرتی که به مکه و قاهره کرد، از خلیفه‌ای فاطمی، مذهب اسماعیلی را پذیرفته و به ریاست اسماعیلیان خراسان برگزیده شد. ناصر خسرو با لقب «حجت زمین خراسان» به ایران بازگشت، ولی از بیم دشمنان و متعصبان خراسان، به ناحیه‌ای بدخشان در افغانستان امروزی پناه برد و در همان جا بدرود حیات گفت. حاصل سفر هفت ساله‌ای ناصر خسرو، کتاب سفرنامه است که از نظر تاریخی و جغرافیایی حایز اهمیت است. وی افکار و اعتقادات خود و همچنین حکمت‌ها و موعظه‌های بسیاری را در قالب آثار و اشعارش بیان کرده است. زاد المسافرین، خوان اخوان و وجه دین از دیگر آثار این شاعر بزرگ ایرانی است. خاصیت عمده‌ای شعر ناصر خسرو، اشتمال آن بر مواظ و حکم بسیار است. همچنین جنبه‌ای دعوت مذهبی او، به اشعارش رنگ دینی آشکاری داده است و ذهن علمی او نیز باعث شد که در بیان مقاصد خود، به شدت تحت تاثیر روش منطقیان قرار گیرد. حکیم ناصر خسرو قبادیانی، بی‌تردید یکی از شاعران بسیار توانا و سخن‌آور زبان فارسی است که دارای طبعی نیرومند و سخنی استوار و قوی و اسلوبی نادر و خاص خود می‌باشد.

تولد «هنری دیوید ثورو» فیلسوف و طبیعی‌دان آمریکایی (1817 م)

هنری دیوید ثورو، طبیعی‌دان و فیلسوف آمریکایی، در 12 ژوئیه 1817 م در ایالت ماساچوست آمریکا به دنیا آمد. وی در 16 سالگی وارد دانشگاه هاروارد شد و پس از فراغت از تحصیل به کار پرداخت. اما در همه جا و همه حال در جستجوی خدا بود. وی می‌گفت: چون در میان یک میلیون مردم نیویورک، یک انسان هم پیدا نکرد، از زندگی اجتماعی فاصله گرفت و مدت 2 سال در یک جنگل، درون کلبه‌ای کوچک به زندگی پرداخت و توانست ثابت کند که انسان وقتی خوش‌حالش است که کاملاً به قدرت و نیروی خود زندگی کند. وی به عنوان یک نصیحت‌نویس: تا می‌توانی بر دیگران متکی نباش. در این زمان، مردم به دیدار وی می‌رفتند و او را شاگرد جدید مسیح (ع) می‌نامیدند. مردم، او را مردی می‌یافتند که با اندک مالی که دارد، کاملاً خرسند و راضی است. زندگی او سرشار از شگفتی و شادی بود. مناظر و صدهای طبیعت به او شادمانی می‌داد. ثورو احساس می‌کرد که جهان، سراسر یک نغمه ابدی است. بخشی از اعتقادات وی را می‌توان چنین برشمرد: انسان جزئی از طبیعت است اما نه مهم‌ترین آن؛ دنیای بزرگ برای شادی و سرور کوچک‌ترین موجودات خلقت، هستی یافته است؛ ما در این خاکدان، اقامت کرده و بهشت را از یاد برده‌ایم؛ با ثروت زائد، تنها چیزهای زائد می‌توان خرید؛ تقریباً تمامی راه‌هایی که برای کسب پول پیموده می‌شود؛ به انحطاط می‌رود. ثورو معتقد بود: بزرگ‌ترین لعنتی که دامگیر ماست، حرص ما برای کسب موفقیت است. زندگی ما در شماره کردن چیزهایی که خیال می‌کنیم بدان‌ها نیازمندیم، تلف می‌شود. ثورو از جمله مردان معدودی است که به تعلیم فلسفه نپرداخت، بلکه مطابق فلسفه زندگی کرد. وی بر این اعتقاد بود که فیلسوف بودن تنها بدان نیست که آدمی، اندیشه‌های باریک بینانه بپرورد یا حتی مکتبی بنیان نهد، فیلسوف بودن آن است که آدمی، حکمت را چنان دوست بدارد که ساده، آزاده، مستغنی و با اطمینان زندگی کند. ثورو همه این افکار و بیشتر از آن را در منظومه منثور خویش به نام والدین بیان کرده است. علاوه بر والدین، ثورو نزدیک به چهل کتاب دیگر هم نوشت که بیشتر آنها بعد از مرگش انتشار یافتند از جمله: گردش در مزرعه و جنگل، تابستان، زمستان و آغاز بهار در ماساچوست. چکیده فلسفه ثورو، چنان که از همه آثار او برمی‌آید این دو کلمه است، قناعت

و سادگي. بفرنجي&rlm;ها و تعصبات اجتماع را كنار بگذار و خودت باش. عظمت و حقارت خویش را بشناس. تو جزئي از طبيعتي، اما نه مهم&rlm;ترين جزء. تو مركز و هسته زمين نيستي، همچنان كه زمين مركز عالم نيست. ثورو عشقي بي&rlm;كران براي مخلوقات خدا داشت و همه جانداران در نظر او عالي بودند. علاقه و بستگي ثورو با همه موجودات زنده، زاده اعتقاد او به اين اصل بود كه هر يك از موجودات، هر چند كوچك و ناچيز باشد، جزئي از مظهر ذات لايتهائي و ابدي جهان است. بنابراين اگر انسان را به طور مجزا مورد نظر قرار دهيم، وجود عالي&rlm;ترين انسان، حادثه ناچيزي بيش نيست. اما اگر انسان را به عنوان جزئي از كل در نظر آوريم، حتي پست&rlm;ترين انسان، حلقه ضروري و لازمي در طرح شادي&rlm;بخش زندگي است. هر يك از ما ساخته آن مغز جهاني است كه آن هنگام كه ما در خواب هستيم، او مشغول اندیشه و تفكر است. هنري ديويڊ ثورو تا آخر عمرش از لحاظ مالي فقير و از لحاظ روحي غني باقي ماند تا اينكه در ششم مه 1862م در 45 سالگي بر اثر ابتلا به بيماري سل، درگذشت.